

راه حل چیست؟

به غمخوارگی جز سر انگشت من نخارد کسی در جهان پشت من

در دو شماره قبل ضمن اشاره به مشکل بزرگ جامعه ایرانی در اسرائیل که همانا عدم همبستگی و وضع نابسمان سازمانهای اجتماعی مان میباشد، یادآور شدیم که مردم نیز بدلیل عدم مشارکت در امور مربوط به خود در بوجود آمدن وضع کنونی سهم بسزائی داشته و جهت تغییر هر چه زودتر وضعیت موجود باید از خود همتی بروز دهند. البته توجه هر چه بیشتر مردم تنها راه حل این معضله نیست و قطعاً سازمانهای ما نیز باید با ایجاد یک برنامه ریزی صحیح و نگرشی دوباره به سازماندهی های خود در این راه قدم اول را بردارند. اخیراً در تماسی حضوری با تنی چند از مدیران این ارگانها طرح نشریه شهیاد را جهت آغاز این تحول مطرح نمودیم که کلاً مورد توجه و تأیید آنها قرار گرفت. لذا در اینجا فشرده این طرح را برای خوانندگان عزیز و دیگر رهبران گرامی جامعه به روی کاغذ میبریم تا شاید همتی بس کوچک باشد برای آغاز کاری بزرگ.

در جامعه بزرگ ایرانی مقیم اسرائیل دهها سازمان با اهداف و عناوین مختلف وجود دارد که هیچیک از آنها به حق حاضر نیستند از سازمان، بودجه و مقام خود برای ادغام در یک سازمان واحد گذشت نمایند. به عبارت دیگر سلب استقلال این سازمانها با هدف ایجاد اتحاد اجتماعی هرگز میسر نخواهد شد. با توجه به این نکته ما پیشنهاد مینمائیم که در حله اول تمامی سازمانهای ثبت شده و رسمی ضمن حفظ استقلال و رسمیت سازمانی خود زیر یک سقف و مکان جمع شده و محیطی مشابه یک دولت کوچک را تشکیل دهند که مکان مربوطه بمانند یک مجلس و سازمانهای مربوطه نقش احزاب نشسته در آن را بازی خواهند کرد. هر سازمان قبول شده در این مجمع بر اساس قدرت، عملکرد چندین ساله، بودجه دریافتی و اعضای فعال آن تعداد کرسی بیشتر و کمتری را صاحب خواهد شد. در راس این گروه یک رئیس مجلس از بین سران پرسابقه آنها بنا به رای گیری نمایندگان انتخاب خواهد شد که اداره جلسات و تصمیمات شورای رهبری سازمانهای متحد را بعهده خواهد داشت. البته پایه ریزی، تنظیم اساسنامه و قوانین کلی تر طرح را یک گروه بیطرف و غیر وابسته از یهودیان ایرانی خارج از کشور اداره مینماید که در مرحله اول نقش هیئت اجرایی و پس از به راه افتادن چرخ فعالیت پروژه، نقش گروه بازرسی را عهده دار خواهد بود. همانطور که گفته شد هر سازمان با ورود به این طرح استقلال کلی خود را حفظ خواهد کرد و هرگاه مایل باشد میتواند از آن نیز کناره گیری نماید. ولی با این حال در صورت ادغام در مجلس اجتماعی ما، بنا به تصویب حضار و مدیران مذکور و میزان اعضا وارد کرده در این مجمع، حدود اختیارات



ماهنامه شهیاد - شماره ۸۳

پروانه وزارت کشور شماره ۲۱۲۹

سر دبیر و مدیر مسئول: کمال پنجازی

عضو اتحادیه سردبیران و خبرنگاران اسرائیل

تلفن/فکس: ۰۳۸۵۰۳ پلخن: ۰۵۲-۸۳۶۳۴۹۱

صندوق پستی ۱۲۳۴ خولون ۵۸۱۱۲

שהיאד - גליון מספר 83

רשיון משרד הפנים מס. 2129

מ"ל: פנחסי קו הפקות * עורך ראשי: פנחסי כמאל

טל/פקס: 03-5038503

פלאפון: 052-8363491

ת.ד. 1234 חולון 58112

سایت اینترنت (כתבתینو באינטرنט) web. address:

www.shahyad.net

پست الکترونیکی (دوار الکترونی) E-mail:

penhasi@yahoo.com

אין המערכת אחראית על תוכן המודעות. כל הזכויות על עיצוב גרפי של המודעות שמורות למערכת

- * مسئولیت تنظیم متن آگهیهای مندرج با هیات مدیره نمیشد
- * مطالب رسیده از خوانندگان برایشان پس فرستاده نخواهد شد
- * شهیاد در اصلاح، حک و کوتاه کردن مقالات رسیده خود را مجاز میداند.
- * مقالات وارده صرفاً عقیده نویسنده بوده و چاپ آن دلیل بر تأییدش از سوی مجله نمیشد.
- * شهیاد از چاپ مقالات و مطالبی که با اصول اخلاقی، امنیت و منافع ملی مغایرت دارند، معذور میباشد.
- * حق چاپ، تکثیر، تقلید، فوتوکپی و استفاده از طراحی آگهیها بدون اجازه کتبی از دفتر مجله حتی برای آگهی دهندگان ممنوع میباشد.
- * استفاده از مقالات با ذکر "مجله شهیاد" مجاز است.
- * شهیاد در انتخاب و چاپ مطالب رسیده و آگهیها مجاز است
- * از چاپ مطالب رسیده که نام و یا نشانی فرستنده آن ذکر نشده معذوریم. اگر مایل باشید نام فرستنده محفوظ خواهد ماند.

تازه ای را دارا خواهد بود.

به معنی دیگر هر سازمان که نقش هر حزب را دارا میباشد برای کمک به جامعه ایرانیان، یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی را عهده دار خواهد بود و مثلاً چند گروه به وضع مهاجرین و یا امور آموزشی و غیره نخواهند پرداخت. نکته دیگر اینکه تمامی بودجه های در دست اعضا به یک حساب واحد بانکی اختصاص خواهد یافت تا امور مالی بصورت سالم تر و دقیق تر مورد استفاده و بازرسی قرار گیرد. مطمئناً نکات اساسی و یا سئوالات بسیاری در این رابطه وجود دارد که انشاءالله در آینده نزدیک به آنها خواهیم پرداخت.

سر دبیر



پیام اعلیحضرت رضاشاه دوم در مورد اعتصاب غذا
سه شنبه اول شهریور ۱۳۸۴

هم میهنان مبارزم،
در کنار باور استواری که به روش های مبارزه بدور از
خشونت دارم و اعتصاب غذا را یکی از آشکارترین و
فداکارانه ترین راهکارهای این پیکار می دانم، از
یکایک آزادیخواهان و زندانیان سیاسی که هنوز در
اعتصاب غذا بسر می برند، می خواهم که در این راه
زندگانی خود را در معرض نابودی قرار ندهند.

در راه آزادی و سربلندی میهن عزیزمان، از هیچ گونه
جانفشانی و از خود گذشتگی نباید دریغ کرد. ولی
پیش از آنکه به مرگ و شهادت بیاندیشیم، باید مبارزه
در راه آزادی میهنمان و بازسازی آن را هدف اصلی
قرار دهیم.

اراده و استواری عقیده شما، نه تنها مورد شك و تردید
نیست که تحسین برانگیز و افتخار آفرین نیز هست. اما
باید بخاطر داشته باشیم که در این جنگ نابرابر،
هدف نهایی فروپاشی جمهوری اسلامی است.

آزادی و سرفرازی کهن میهن عزیز و بویژه شما
فرزندان دلیر ایران، همواره سرلوحه تلاش های من
بوده و خواهد بود.

خداوند نگهدار ایران باد
رضا پهلوی



"اطلاعیه سازمان ایران ما"

(اولین و تنها سازمان سلطنت طلب در اسرائیل)

سروران و هم‌رزمان گرامی
اخیرا گروهی فرصت طلب مزدور که تنها هدفشان ایجاد تفرقه در
بین مبارزین واقعی راه رهایی میهن میباشد، با استفاده از نام
سازمان ما و جعل آدرس پست الکترونیک گروه ایران ما و اعلام
شرکت در کنفرانس ۲۴ سپتامبر که جمعی از وطن فروشان
مبتکر آن میباشند، قصد دارند تا کارنامه پاک ۲۷ سال فعالیت
های مبارزاتی ما را لکه دار نمایند. سابقه مبارزات سازمان ایران
ما در اسرائیل بخوبی معرف حضور سرورانی که به حقانیت و
اعادت رژیم پرافتخار سلطنت برهبری اعلیحضرت رضاشاه دوم
ایمان دارند و نیز تمامی افراد و گروههای صالح و مبارزی که در
این برحه از زمان یار و همسنگر ما بوده اند، میباشد.
بار دیگر فریاد میزنیم که سخن ما از آغاز تاکنون و تا آخرین روز
حیات چنین بوده و بس: ایران فقط ایران پادشاهی.
ما ضمن تکذیب شرکت در کنفرانس مذکور و هرگونه مشارکت
با افراد و گروههایی که به هر شکل در ویرانی ایران نقش و
دخالتی داشته اند، از تمامی سلطنت طلبان واقعی دعوت مینمائیم
تا برای همبستگی در برابر خائنین، مزدوران ستون پنجم و
دشمنان غاصب گر، شعار جاودانه "خدا، شاه، میهن" را
سرلوحه آرمانهای خویش قرار دهند.
جاوید شاه - پاینده باد ایران

اطلاعیه شماره ۱ کانون ورزشکاران ایرانی در سوئد

در تاریخ ۱۶ ماه جون، کانون پشتیبانی از ورزشکاران ایرانی در سوئد تاسیس گردید که از جمله اهداف آن تشویق
فعالیت ورزشی در میان جوانان ایرانی و مبارزه علیه مواد مخدر، مواد نیروزا (دوپینگ) و خشونت میباشد.
در حال حاضر تعدادی کمیته های ورزشی از جمله:

- ۱- کمیته کشتی زیر نظر آقای جلال کاکاوند، داور بین المللی فدراسیون کشتی سوئد
- ۲- کمیته ورزشهای رزمی زیر نظر آقای رضا محسنی، سرمربی تیم ملی کاراته سوئد
- ۳- کمیته وزنه برداری زیر نظر آقای بیژن رضائی، وزنه بردار سابق تیم ملی ایران و سوئد
- ۴- کمیته والیبال زیر نظر موقت آقای سام استکاء

تشکیل شده که امید است با یاری استاید و متخصصین و صاحب نظران دیگر رشته های ورزشی بتوانیم کمیته های
دیگر در جهت معرفی چهره های ورزشی موفق ایرانی به جوانان برای تشویق آنان در فعالیتهای ورزشی، پشتیبانی
از ورزشکاران حرفه ائی جوان ایرانی، سازماندهی فعالیتهای مبارزاتی علیه مواد مخدر، مواد نیروزا و خشونت و
بالاخره پشتیبانی ویژه از فعالیت ورزشی بانوان جوان تشکیل دهیم.
ما از شما هم میهن برای پیشبرد اهداف کانون دعوت بعمل میاوریم پشتیبان پیشرفت ورزشی جوانان ایرانی شوید.

کانون ورزشکاران ایرانی

Box 7143

170 07 Solna, Sweden

Tel: 046 70 715 20 92 Fax: 046 8 655 09 26

خاطراتی از رضاشاه پهلوی

به نقل از مطبوعات، رجال سیاسی و کتب تاریخی

یادداشت‌های رضاشاه

من در گذشته هم شیخ خزعل را از عکسهای او و حالت روحی او را از چشمهای او شناخته بودم و ارزش وجودی او را میدانستم که تا چه پایه است. بدیدن او روبرو و ورنساز کردن او دانستم که هر چه فهمیده بودم و به قلب من الهام شده بود درست بوده.

حرفهای او با من تکرار همان پیغامها و نامه ها بود که مکرر در این یادداشتها آمده است. دلایلی را که برای اقدام و قیام خود میآورد نهایت ضعیف و پوچ بود.

تلگرافات زیادی از تهران رسیده بود که بایستی مطالعه کنم، پس بیش از این ضرورتی ندیدم که با شیخ وارد بحث و جواب و سؤال شوم و دیگر



مجاللی برای اطاله کلام و شنیدن حرفهای شیخ ندارم. به او گفتم: برو مطمئن باش، من نه طمععی به مال تو دارم، نه قصد سوئی به جان و جاه تو نموده ام. من نیامده ام که تو را از میان بردارم و به حیات تو خاتمه بدهم ولی یک شرط با تو میکنم و آن این است که خود را یک فرد ایرانی بدانی و توجه تو دائماً به تهران باشد و کمک و مساعدت از دولتی بخواهی که مرکز آن تهران است و مبادا هیچوقت متوجه به جهات دیگری

بشوی. آن کسی که تکیه به بیگانه میکند و اعتماد به اجانب دارد و از آنها انتظار معاونت دارد آن کس ایرانی نیست و ایران نیست و ایران است نمیتواند دشمن ایران باشد. اگر از این به بعد نفس تو تورا وسوسه کند که بر این خروج کنی یا مطیع قوانین حکومت ایران نباشی یا بیرق خودسری و شورش بلند کنی، به هر شکلی از اشکال که باشد و به هر دست آویز و بهانه باشد بدان که نتیجه آن اعدام است.

پس از اینکه شیخ از نزد من بیرون رفت، دبیر اعظم و وزیر مشاور از راه محبت و لطف از او پرسیده بودند رنگ لباس رئیس الوزرا چه رنگی بود؟ چه دوختی بود، چه پارچه بود؟ چه شنسلی بر دوش داشت، بلند بود یا کوتاه؟ و شیخ از جواب این پرسشهای ساده عاجز شده بود، چون او چنین حواس و حوصله نداشت. فقط هم او ترضیه خاطر و عفو و اغماض من بود. این پرسشها و این خوشمزگیها مرا به یاد یک حادثه تاریخی لطیفی آورد که در ذیل ذکر آن میشود:

بقیه در صفحه بعد



سخن شاه

* قرارداد نفت تمدید نمیشود. شرکت ملتن فت از همین فردا باید آماده مسئولیتهای جدید باشد. قرارداد ایران و کنسرسیوم که بطور اتوماتیک پس از ۱۹۷۹ برای سه دوره پنج ساله تمدید میشد دیگر تمدید نخواهد شد و شش سال دیگر پایان خواهد یافت.

* اگر ارتجاع سیاه و توده ای های بیوطن بخواهند انقلاب سفید ایران را گلگون کنند هیچ مانعی ندارد.

* کشور ما دو بار اشغال شد ولی این "دو" هرگز "سه" نخواهد شد.

(شاهنشاه در کنگره شاه و ملت - ۳ بهمن ۵۱)

* با شناسایی اسرائیل هیچ چیزی را از دست نخواهیم داد.

* بدون دخالت ما ظفار به یک آنگولا تبدیل میشد.

* هیچ قدرت خارجی نباید در خلیج فارس حضور داشته باشد.

(شاهنشاه در مصاحبه با نشریه عکاظ عربستان - ۳/۵/۱۳۵۵)

* در خاورمیانه قدرت ایران قابل رقابت نیست.

(شاهنشاه در مصاحبه تلویزیونی در آمریکا - ۶ آبان ۱۳۴۸)

در لشگرکشی نادرشاه به هندوستان که منتهی به شکست محمدشاه هندی شد، او اجازه یافت که داخل سرا پرده نادرشاه بشود. وقتی که بیرون رفت از او پرسیدند فاتح ایرانی چه لباسی با چه رنگ بر تن داشت؟ محمدشاه از جواب این سؤال عاجز ماند چون از دیدن قیافه فاتح هندوستان طوری خود را باخته بود که اصلا جز خود او چیزی نمی دید. آری تاریخ تکرار میشود و زمانه جز یک سلسله متصل به حلقات چیز دیگری نیست.

فردای آنروز که شیخ مرا دید بن متوسل شد که اجازه دهم مرتضی قلیخان بیاید و مرا ملاقات کند و طلب عفو نماید. این خان بختیاری یکی از زعمای حزب سعادت است. همان حزبی که بنام آوردن احمدشاه از اروپا با من بنای مخالفت و ضدیت گذاشته بودند. من به وزیر مشاور و دبیر اعظم دستور دادم مرتضی قلیخان را بپذیرند و از او پذیرائی کنند، هر حرفی دارد به آنها بزند و لزومی نیست که مرا ملاقات کند. ولی شیخ اصرار و التماس زیاد نمود. دبیراعظم را هم واسطه قرار داد و بالاخره مرا قانع کردند که اجازه بدهم بیاید مرا ملاقات کند. مرتضی قلیخان مردی است قوی هیکل، زرد رنگ، تمام علاماتی که بر قیافه او نقش بسته دلالت بر کمی عقل، بیکاری، تن پروری و خوردن و خوابیدن دارد. وقتی که وارد شد بدون مقدمه بنای صحبت گذاشت که من داخل حزب سعادت نشدم و تائید و مساعدتی به حزب نکردم و هیچ عملی از من سر نزده است که دلیل بر ضدیت و مخالفت با دولت داشته باشد و او آمده است که اگر در خاطر من کدورتی از او باشد زائل نماید و خود را تبرئه کند. به حرفهای او کمی گوش دادم، گفته هایش را تصدیق نمودم و به او گفتم بدون شك شما به میل و اراده خود وارد حزب سعادت نشدید، بلکه شما را داخل کردند. حالا برو و راحت باش. بعد صحبت را به شکایت از خوانین بختیاری کشید و شرحی از مفاسد یوسف خان و دزدیهای او و اعمال (امیر مجاهد) و حرکات قبیله او بیان نمود و همه خطاها و گناهانرا به گردن او گذاشت.

پس از رفتن خان بختیاری، به شیخ خزعل گفتم اگر حاجتی و مطالبی دارد از این به بعد به حکومت خوزستان مراجعه کند چون دستور داده ام که حکومت نظامی را فوری در ناصری تشکیل بدهند. شیخ اظهار نمود چون پیر و علیل شده است اجازه داده شود در ناصری بماند و تقاضای دیگر او این بود که یکی از فرزندان او در سیر مناطق جنوبی ملازم و پارکابی من باشد. من با هر دو تقاضای او موافقت نمودم. □

قوانین حاکم بر میهنمان

در نخستین سالهای قرن بیست و یکم که حکومت دیکتاتوری آخوندی به فکر فرستادن ماهواره به فضا و ایجاد کوره های اتمی افتاده، هنوز قوانینی در کشور حاکم است که بوی جهالت هزار و چهارصد ساله بدویت از آن برمیخیزد.

روح نامقدس انقلاب، و امام کاذب خمینی ملعون کتاب معروفی دارد بنام "توضیح المسائل" که راه و چاره بسیاری از مشکلات شرعی امروز دولت حاکم جمهوری اسلامی در شتون روزمره مملکت است. در اینجا دو نمونه از مسائل معروف این کتاب را برایتان نقل میکنم تا ببینید چه روزگار سیاه و اسفناکی بر میهنمان سایه افکنده و متأسفانه بیست و هفت سال ملت ما هنوز در خواب خرگوشی خود بسر میرد:

مسئله ۲۶۲۲ - اگر ملخ را با دست یا به وسیله دیگری زنده بگیرند، بعد از جان دادن خوردن آن حلال است و لازم نیست کسی که آن را می گیرد مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد، ولی اگر ملخ مرده ای در دست کافر باشد و معلوم نباشد که آن را زنده گرفته یا نه، اگر چه بگوید زنده گرفته ام، حلال نیست.

مسئله ۲۶۲۳ - خوردن ملخی که بال در نیاورده و نمی تواند پرواز کند حرام است.

مسائل مهم دیگر این کتاب مربوط به قوانین ورود به مستراح، وضعیت های مختلف آمیزشی و دیگر اراجیفی از این رده است که واقعا انسان را به فکر میاندازد که به خونسردی این ملت باید خندید یا باید گریست؟

تکته:

... چند روز پیش به واسطه اجباری پای صحبت یکی از این آقایون روحانی نشسته بودم و ایشان میفرمودند که خدا توی اون دنیا برای هر کسی که کار خوب انجام داده باشه یه پری باکره در نظر گرفته و اون میتونه مدتی را با اون پری سپری کنه، اگه ازش خوشش نیومد خدا سریع اونو عوض میکنه براش!!!

میدونی چه سئوالی برام پیش اومد؟ خدا این پری های دست خورده را چکار میکنه؟ اگه دوباره آکیند کنه که... از خدا بعیده سر بنده شو کلاه بذاره. بکشه؟ که تو اون دنیا مرگ معنی نداره. پس چیکار میکنه این لامصبها رو؟ خب بهتره بفرسته جهنم... واسه ما که همینم بسه بخدا!!!

حرفهای شکارچی (به نقل از وب سایت شکار)

محللی دختران به عنوان برده جنسی به مردان پاکستانی فروخته می شوند. مردان پاکستانی با این دختران که بین ۱۲ تا ۲۰ سال سن دارند ازدواج می کنند و سپس آنها را به فاحشه خانه های پاکستان که "خرابات" نامیده می شوند می فروشند. همچنین در استان مرزی سیستان و بلوچستان که عملاً نیروهای دولتی کنترل درستی بر مرزها ندارند دختران ایرانی به مردان افغانی فروخته میشوند.

برملا شدن شبکه های برده داری جنسی در ایران نشان داده است که بسیاری از آخوندها و مقامات دولتی در بهره برداری جنسی و تجارت زنان دست دارند. برخی زنان گزارش داده اند که برای گرفتن حکم طلاق از قاضی شرع مجبور شده اند به هم خوابگی به او تن دهند. زنان زندانی از همین وضع در زندانها توسط مسئولین زندان خبر داده اند. رئیس سابق دادگاه انقلاب کرج و هفت مقام رده بالای دیگر در ارتباط با یک باند تن فروشی که از دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله خانه امن قاچاقچیان بنام "مرکز هدایت اسلامی" استفاده میکرد، دستگیر شدند. در قم نیز که مرکز تعالیم اسلامی ایران است، هنگامی که یک باند تن فروشی کشف شد برخی از دستگیرشدگان آن از نهادهای حکومتی از جمله قوه قضائی بودند. چند سال پیش نیز مقامات رسمی دولت جهت کنترل هرچه بیشتر فحشا در کشور، ایجاد خانه های عفاف و معامله مشتری با روسپی را بر اساس روش سنتی صیغه پیشنهاد کردند.

در یک دیکتاتوری مذهبی مانند ایران، نمی توان جهت عدالت برای زنان و دختران به حکومت قانون متوسل شد. زنان و دختران هیچ تضمینی برای آزادی و حقوق خود و انتظار هیچگونه احترام و ارجمندی از جانب بنیادگرایان اسلامی را ندارند. تنها پایان این رژیم قرون وسطی ای زنان و دختران را از تمامی اشکال بردگی هایشان آزاد خواهد کرد.

گرفته شده از سایت گویا - ترجمه ف. کوشا

وضعیت نامعلوم هزاران مفقود جنگی

با گذشت بیش از ۱۷ سال از پایان جنگ ۸ ساله با عراق هنوز وضعیت نهائی هزاران مفقود الاثر ایرانی روشن نشده است. تعداد مفقودین ایرانی بیش از ۷ هزار نفر تخمین زده میشود که در بین این تعداد تنها بیش از ۳ هزار نفر مربوط به نیروی زمینی ارتش میباشد.

این شهدا یا بصورت گمنام در قبرستانهای ایران دفن شده اند و یا در دوران جنگ توسط نیروهای بعث در اسارت گاهها به قتل رسیده و بصورت ناشناس دفن شده اند و یا در طی عملیات ها زیر آتش سنگین دشمن در صحنه نبرد بصورت دستجمعی به خاک سپرده شده اند. رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس در پاسخ به این سئوال خبرنگاران که با توجه به اعلام بقیه در صفحه بعد

نگاهی دوباره به فاجعه بزرگ فحشا در ایران

یکی از دست آوردهای درخشان ۲۷ سال حکومت جمهوری اسلامی در ایران رواج روزافزون فحشا و تجارت تن فروشی دختران و زنان ایرانی است. ملایان حاکم قوانین و تنبیهات تحقیر کننده و سادستی ای را بر زنان و دختران تحمیل کرده و آنان را در یک نظام آپارتاید جنسی شامل جداسازی، حجاب اجباری، وضع قانونی درجه دوم در جامعه، شلاق و سنگسار برده کرده اند.

چندی قبل مجله فرانت پیج اعلام نمود با پیوستن به روندی جهانی، بنیادگرایان اسلامی در ایران روش دیگری را نیز برای سلب انسانیت زنان و دختران به شیوه های پیشین خود افزوده اند و آن خرید و فروش آنان برای فحشا می باشد.

به دست آوردن تعداد دقیق قربانیان این تجارت ناممکن است، اما بر مبنای منبعی دولتی در تهران، تعداد نوجوانان روسپی بعد از انقلاب ۶۳۵ درصد افزایش یافته است. در تهران تعداد تقریبی ۸۴۰۰۰ نفر زن و دختر در کار فحشا هستند که بسیاری از آنان در خیابان ها و بقیه در ۲۵۰ فاحشه خانه ای هستند که بنا بر گزارش ها در شهر دایرند. این تعداد خانه های عفاف و صیغه های یک شبه را شامل نمی گردد. این تجارت بین المللی نیز هست. هزاران زن و دختر ایرانی طی این چند سال به بازارهای برده داری جنسی خارج از کشور بخصوص کشورهای عربی فروخته شده اند. رئیس پلیس بین المللی ایران معتقد است که امروزه تجارت بردگی جنسی یکی از پرسودترین فعالیت ها در ایران است و مقامات حکومتی خود در خرید، فروش و سوء استفاده های جنسی از زنان و دختران دست دارند.

از عوامل مهم گسترش این بحران، سیل جوانان از روستاها به تهران، محدودیت های اجتماعی جوانان بخصوص دختران در جامعه اسلامی، فرار دختران از خانه، میزان بالای بیکاری، رواج دیوانه وار اعتیاد و فروش کودکان معتادین برای تامین مواد مخدر والدین می باشد و تاجران برده از هر موقعیتی که در آن زنان و کودکان آسیب پذیر می شوند بهره می برند. مثلاً بدنبال زلزله بزرگ بم، آنها دختران تیم را ربوده و به بازار برده شناخته شده ای در تهران بردند. بگفته رئیس دادگستری استان تهران، قاچاقچی ها دختران ۱۳ تا ۱۷ ساله را هدف قرار می دهند تا به کشورهای عربی بفرستند هر چند که گزارش هایی نیز از دختران ۸ و ۱۰ ساله وجود دارد. در استان خراسان بنابه گزارش پلیس

اینکه دیگر هیچ اسیر ایرانی در خاک عراق از دوران دفاع مقدس باقی نمانده، پس وضعیت خانواده های مفقودینی که هنوز در انتظار خبر قطعی از عزیزانشان می باشند چیست، اعلام نمود: اخیراً طبق مصوبات شورای امنیت ملی تصمیم گرفته شد که تکلیف خانواده های مفقودینی که چشم انتظارند مشخص شود و اعلام شود عزیزانشان قطعاً به شهادت رسیده اند.

لازم بیادآور است که قبلاً در بهمن ماه سال ۱۳۸۲ مدیر حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس نیروی زمینی ارتش قول داده بود که تا پایان همان سال وضعیت مفقودی سه هزار و ۲۰۷ شهید گمنام دوران دفاع مقدس این نیرو قطعی میشود، ولی با گذشت بیش از یکسال و نیم این مسئله هنوز پایان نیافته است.

وی همچنین در این خبر اضافه نموده بود که: " ۴۳ هزار شهید از مجموع ۴۸ هزار شهید ارتش مربوط به نزاجا بوده و ۱۱ هزار و ۶۷۲ آزاده سرفراز (اسیر آزاده شده) و ۱۳۰ هزار و ۷۸۰ جانباز (معلول جنگی) از دیگر شاخص های درخشان پرونده افتخارآمیز نیروی زمینی ارتش در دوران دفاع مقدس است."

حقیقتش آنکه تا به امروز ما نمی دانستیم که هرچه تعداد شهدا، اسرا و معلولین جنگی (تلفات جانی خودی) در جنگ بیشتر شود، افتخار پیروزی درخشان تر میگردد.

پاسارگاد رو به نابودی است!

اخیراً کمیته میراث جهانی سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) اثر باستانی و بی نظیر پاسارگاد، این اثر برجای مانده از هخامنشیان با قدمت بیش از ۲۵۰۰ سال واقع در استان فارس را میراثی جهانی اعلام نمود.



با خبرنگار ایسنا گفت: پس از انقلاب اسلامی به دلیل وقوع جنگ و برخی مشکلات فرهنگی، کمتر به میراث فرهنگی توجه شد. وی همچنین افزود: با توجه به اعتبار و توجهی که دولت به بخش میراث فرهنگی دارد، برای رسیدگی بیشتر به پاسارگاد باید برخی دیگر از پایگاهها را تعطیل می کردیم.

باید یادآور شد که در زمان حکومت شاهنشاهی پهلوی ایران با برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله، به پاسارگاد و مناطق اطراف آن رسیدگی ویژه ای اختصاص یافت و با تعمیرات و نگهداری خاص انجام شده، بازتاب وسیع این جشن و منطقه تخت جمشید در رسانه های گروهی جهان باعث گردید سیل گردشگران از سراسر جهان برای دیدار از این اثر باستانی به ایران سرازیر گردد.

پس از انقلاب اسلامی و نفرت بی مورد آخوندها نسبت به رژیم پادشاهی و هرآنچه که نام و یادی از تاریخ شاهنشاهی ایران را داشت باعث شد تا حتی توسط خلخال ملعون طرحی برای با خاک یکسان کردن بقایای تخت جمشید مطرح گردد که خوشبختانه با دخالت گروهی از مردم این طرح شیطانی اجرا نشد. طی سالهای پس از جنگ و توجه دوباره توریست ها به این منطقه کم کم غبار غلیظ تعصب پوچ اسلام گرایان از چهره کوروش و پاسارگاد و تخت جمشید روئیده شد و اندکی به تاریخ پرشکوه هخامنشیان توجه گردید.

در مقاله ای که در خصوص اهمیت این مکان باستانی و خطر نابودی روزافزون آن در سایت ایسنا مندرج شده آمده است: در طول سالیان دراز سالهای پس از ظهور اسلام که بردگان زن و اهدای ناپسند زن به دربار برخی خلفا و سلاطین و امرا، يك امر رایج بوده است، چگونه است که در تخت جمشید، نمایندگان ملل، هدایای گوناگون از جواهرات، گاو و شتر گرفته تا يك کاسه شربت گوارا برای شاه می بردند، اما در میان این هدایا، حتی يك زن وجود ندارد؟ همه این نشانه ها به سلامت و پاکی دستگامی اشاره دارد که مرتبط آن در طول سالیان دراز به انحای گوناگون ناشناخته مانده یا به نوعی مصادره اشقیاء شده است. ■

خوانندگان محترم نشریه شهیاد

به دلیل مشکلات مالی و بمنظور تداوم هرچه بیشتر حیات نشریه، بنابه تصمیم هیات مدیره شهیاد، چاپ اشعار، مقالات، اخبار و اطلاعیه ها، بیوگرافی اشخاص و دیگر مطالب ارسالی شما مستلزم قبول هزینه چاپ آن (برحسب قطع و اندازه مورد لزوم) میباشد. متنی است این اقدام ما را با توجه به مشکلات موجود، با نظری صادقانه پذیرفته و در این راه ما را همیار باشید.